

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

National Characters

شخصیت های ملی

نشریه پیشرو شماره ۵۲

احمد

۱۴ جولای ۲۰۱۷

سرمشق رزم و کار

ما که در یکی از بحرانی‌ترین و خونین‌ترین سالهای تاریخ کشور به مکتب می‌رفتیم عطش سیری ناپذیر برای درک چون و چرای بحران حاکم در کشور داشتیم. در آغاز معمولاً این که چرا جبهه مبارزین خالی می‌نماید و چرا در برابر این همه نابسامانی و ظلم قامت استواری به چشم نمی‌خورد و چراهایی مثل این ذهن عده‌ای از ما را مدت‌ها مصروف می‌کرد و باعث می‌شد تا کتاب بخوانیم، در جلسه‌ها و محافل اجتماعی و سیاسی شرکت کنیم، سخنرانی‌ها و بحث‌های رسانه‌ای را تعقیب کنیم تا شاید پاسخی برای گوشه‌ای از سؤال‌های بی‌شمار خود پیدا نمایم. این راه پر از پست و بلندی و هیجان و اندوه بود. بارها به چیزها و کسانی امید می‌بستیم که نباید می‌بستیم.

اما با گذشت زمان بسیار چیزها واضح‌تر و واقعی‌تر نمایان می‌شد. کم کم می‌فهمیدیم که صف مبارزه علیه استبداد هرگز خالی نبوده و قافله ناتمام مردان و زنانی که آگاهانه و استوار برای تحقق آزادی و عدالت اجتماعی در کشور رزمیده‌اند، بی توقف ادامه داشته است.

در این مرحله تمایل شدیدی به شناخت مبارزان گذشته، به خصوص مشروطه خواهان، استقلال طلبان و آزادی خواهان مشهور و نیک‌نام در ما فوران می‌کشید و روزها و سالها در پی شناخت بهتر از محیط اجتماعی، خصوصیات فردی، انگیزه‌ها و عواملی می‌گشتیم که کسانی چون "عبدالرحمان لودین"، "محمودی"، "غبار"، "اکرم یاری"، "داکتر فیض" و امثال شان را پرورده بود. نمی‌دانستیم که میراث داران آن مبارزان در گوشه و کنار وطن بی ادعا، گمنام اما پیگیر و خستگی ناپذیر هنوز مشغول رزمند. "داد نورانی" یکی از آن سرمایه‌های گمنام بود.

زندگی و کار با او بیش از هر کتاب و منبع دیگری من را به شناخت نیمه دیگر وطن کمک کرد؛ نیمه روشن، افتخار آفرین و امید بخش؛ نیمه‌ای که به آدم توان ماندن و انگیزه امیدوار بودن می‌دهد.

نورانی شاعر بود، اما شاعر متعهد به اجتماع و مردمش. برای او هسته شعر پیامش بود و باقی همه ابزار پختن آن پیام. او روزنامه نگار بود، اما روزنامه نگاری برایش حرفه نان آور، وسیله رسیدن به مقام و چوکی و شهرت کاذب نبود. از همه امکانات موجود رسانه‌ای و در سطوح مختلف برای بیان موضع و پیامش استفاده می‌کرد.

او سیاست مدار بود، اما سیاست را میدان داد و سندهای آلوده قدرت و ثروت نه بلکه معرکه به نبرد فراخواندن، رسوا کردن و مقهور ساختن نیروهای اهریمنی می‌دانست که زیر نام دین، فرهنگ، سنت و ارزش‌های ملی مصروف وطن

فروشی، آدم‌کشی و چور و چپال بودند. برای ادای سهمش به آکادمیسن بازی و قلم زنی‌های کم خطر دل خوش نمی‌کرد بلکه "دستی در آتش" داشت و از مواجه شدن و گفتگوی رویاروی با مخالفانش اباہ نمی‌ورزید.

نورانی آرمانگرا بود و از بیان آرمان‌هایش هراس نداشت. در سالهای پروژه‌ئی پس از طالبان که بسیاری‌ها پوست انداختند و به آرمان‌های خود به خاطر پول یا پروژه پشت پا زدند او از هر فرصت برای بیان موضعش بهره می‌گرفت و آرمان‌هایش را پاسداری می‌کرد. در رسانه‌ها حضور می‌یافت، دعوت مخالفانش را برای بحث می‌پذیرفت و بی‌پرده از جنایات و ظلم‌هایی که بر مردم و وطن رفته بود، سخن می‌گفت، راه بدیل را نشان می‌داد و از حاکمیت جنگ و چور سالاری انتقاد می‌کرد.

نورانی معلم بود. سالها برای تربیت کودکان و جوانان هموطنش با حداقل امکانات کوشید. از هر فرصتی برای دایر کردن صنف و انتقال معلومات و دانشش استفاده می‌کرد. در شرایط مهاجرت و زمانی که دسترسی به منابع نسبی آموزشی ممکن نبود، دست نوشته‌های او نقش مهمی در ارتقای ظرفیت شاگردانش اداء می‌کرد. پشت کار، مطالعه و انضباطش از او معلم دوست داشتنی و سرمشق خوب ساخته بود.

نورانی مهمتر از همه اهل کار بود. شاید ماندگارترین تصویر از او در ذهن بیشتر دوستان و همکارانش بیداری، تلاش، پی‌گیری و تپیدن دایمی‌اش بود که متأسفانه در سالهای آخر به سرعت جسمش را می‌فرسود و بسیار زودتر از آن که باید، او را از ما گرفت. در کشور ما اکثریت مردم کار مناسب ندارند و عده‌ای محدودی که پست‌های دولتی و خصوصی را پر کرده‌اند به تنبلی و تن آسائی شهره می‌باشند. اوسط مدت کار مؤثر در روز گفته می‌شود که در کشورهایی چون افغانستان کمتر از یک ساعت است. اما، در یکی از دفاتر همین کشور و در روزهایی که وقت و انرژی هزاران مرد و زن در سیستم غیرمؤثر کار کشور هدر می‌رفت، نورانی دست به قلم و از فرط خستگی کار، پشت میزش سکنه کرد و مدتی بعد جان داد.

او برای ما کتاب گشوده زندگی مبارزان وطن بود. با مرور خاطراتش احساس می‌کنیم که نه تنها او را بلکه قافله بزرگی از مردان و زنان پیشگامی را می‌شناسیم که از برخی حتا نام و خاطره‌ای نیز برجای نمانده است. از اینرو بجاست که بگوئیم، نورانی سرمشق رزم و کار بود.